

تابوی پرده بکارت و قتل های ناموسی

بهرام رحمانی

bamdapress@ownit.nu

تابوهای اجتماعی به ویژه در جوامع عقب نگه داشته شده و در حال توسعه بی شمارند. در جوامعی که حتا آزادی های نیم بندی وجود دارد این تابوها مورد نقد قرار می گیرند و در مورد درست یا غلط بودن آن ها اظهارنظرهای مختلف می شود تا افکار عمومی جامعه بتواند قضاوت درست و آگاهانه ای درباره آن ها داشته باشد. اما در کشورهایی هم چون ایران، که حکومت ارتجاعی و مستبیدی در آن حاکمیت دارد نه تنها کسی جرات نقد تابوها را ندارد، بلکه خود حکومت تابوساز و خرافه آفرین است. بر این اساس، بسیاری بر سنت های خرافه وار و تابوها پافشاری می کنند و آن ها را می پرستند.

در این نوشته تلاش می شود به تشویش ها و ترس های مربوط به سلامت پرده بکارت در جامعه ایرانی، که یکی از عوامل مهم بروز روابط غیرانسانی و اختلالات و خشونت علیه زن ها در جامعه و در خانواده است، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در شرایط کنونی جامعه ما، این ترس ها و خشونت ها، علاوه بر ادامه سنت های مذهبی و مردسالاری، در عین حال با قوانین ضدزن حکومت اسلامی نیز اجین شده، فضای بسیار سنگینی به ویژه برای دختران جوان به وجود آورده است. این وضعیت به جز روشنگری و نقد همه جانبه این سنت ها و مبارزه علیه حکومت اسلامی ضدزن و ضدانسان و توسعه دانش بشری و ارزش های انسانی جهان شمول در جامعه راه دیگری ندارد.

در جامعه ای مثل ایران تابوهای زیادی وجود دارند که یکی از آن ها سکس و بکارت است. اصرار بر باکرگی براساس اعتقادات مذهبی و ناموس پرستی در جامعه ای که از جمله آزادی در روابط جنسی جرم محسوب می شود، همواره قربانی می گیرد. آیا «پاکدامنی»، «بکارت» و «مذهب» و «مردسالاری»، می تواند مشکلی را حل کند؟

این گونه تصور می شود و یا برخی می خواهند این چنین تصور کنند که دختران مذهبی، افرادی متعصب و باکره های درون گرایی هستند که با خود عهد بسته اند سرتاسر زندگی جلوی احساسات و عواطف خود را بگیرند تا خانه شوهر بروند. در حالی که نسل جدید جوانان در ایران، در تلاشند عملاً چنین تصورات باطل و ریاضت کشی جنسی را تغییر دهند. این دختران آگاه ترند و با ظاهری مدرن در جامعه ظاهر می شوند و حرفی از مذهب خود نمی زنند. بنابراین، زن های زیادی هستند که به خرافات مذهبی و مردسالاری اهمیتی نمی دهند و با آگاهی از چگونگی پیشگیری بیماری های مقاربتی و عوارض روابط جنسی در سنین پایین از روابط جنسی قبل از ازدواج لذت می برند، بدون این که احساس کنند چیزی از ارزش های انسانی شان کم شده است. بنابراین، علاوه بر این که اصرار بر «محافظت از جنسیت خود و پرده بکارت» قدیمی و واپس گرایی است آن هم در دوره ای که حتا پرده بکارت مصنوعی چینی و ژاپنی و غیره آماده با قیمت ارزان نیز وارد بازار کشورهای مختلف جهان شده است.

متأسفانه هنوز در کشور ما، نه تنها پرده بکارت یک تابو است، بلکه دختران بی شماری به جرم نداشتن پرده بکارت بدون هیچ سئوال و جوابی به قتل می رسند و یا زوجی در شب اول عروسی کارشان به طلاق می کشد چون که پس از هم خوابی فطره خونی از او جاری نشده است. و یا آسب دیدگی پرده بکارت، خودکشی به همراه دارد. هنوز نشانه «پاک» بودن و «شرف» یک دختر در پرده بکارت اوست که می شود با چند هزار تومان آن را دوباره ترمیم کرد ...

پرده بکارت غشایی است که تمام یا قسمتی از دهانه واژن را می پوشاند. Hymen یک واژه یونانی است به معنای پوست یا پرده که از نام الهه ازدواج و عروسی یونانیان God Hymen عاریه گرفته شده است. یونانیان باستان از این واژه برای انواع پرده ها از جمله پرده ای که قلب را احاطه می کند (پریکارد)، استفاده می کردند، اما با گذشت زمان، کاربرد آن به پرده بکارت محدود گردید. پرده بکارت، بخش خارجی اندام جنسی است و دقیقاً در ورودی دهانه واژن قرار دارد.

حتا بعضی دختران مادرزاد پرده بکارت ندارند، بعضی دیگر پرده بکارتشان بدون سوراخ است، در حالی که برخی دیگر پرده های بسیار ضخیمی دارند که ممکن است برای پاره کردن آن، به کمک پزشک نیاز باشد تا از بروز درد در هنگام ارتباط جنسی جلوگیری شود، این شیوه را بریدن پرده می نامند. به گفته پزشکان، طی اولین دخول، پرده بکارت در چند جا پاره شده و به چند قطعه تقسیم می شود، غالباً تا زمانی که زن، نوزادی به دنیا بیاورد باقی مانده پرده در دهانه واژن وجود خواهد داشت. در دخترانی که به سن بلوغ می رسند، در صورتی که دارای پرده بسته باشند، خون قاعدگی پشت آن جمع شده و نمی تواند خارج شود در نتیجه باعث بروز دردهای شدید می گردد، این گونه افراد باید به دکترا مراجعه کنند تا طی عمل جراحی و ایجاد برشی در سطح پرده، خون قاعدگی از آن خارج شود.

پرده بکارت از نظر پزشکی قابل ترمیم نیست. بنابراین، انجام این عمل می تواند فقط یک «خودگول» زدن باشد. پرده بکارت قابل ترمیم نیست چون که عروق ندارد، یک بافت مخاطی است. وقتی پاره می شود دوباره نمی تواند به شکل اولش برگردد. کاری که پزشکان درباره ترمیم پرده بکارت انجام می دهند کمی آن را تنگ تر می کنند تا در نزدیکی بعدی خونریزی داشته باشد. بر این اساس، پزشک قانونی که قرار است گواهی بدهد با کمی دقت می بیند که جای ترمیم معلوم است. بنابراین، فرد فقط به این دل خوش می کند که در شب

عروسی خونریزی داشته باشد، چون تنگ می شود و همان محلی که دوخته شده دوباره پاره می شود و خونریزی ایجاد می کند.

اکنون که پرده بکارت یک بار مصرف نیز با قیمت ارزانی وارد بازار کالاها شده است، شاید نیازی به پزشک و جراحی برای ترمیم پرده بکارت باقی نماند. یک شرکت چینی با عرضه پرده باکرگی مصنوعی برای نوعروسان مصری، خشم سیاستمداران محافظه و مذهبی کار این کشور را برانگیخته است. به گزارش روزنامه آلمانی «زود دویچه تسایونگ»، بازار شرکت های چینی عرضه کننده باکرگی مصنوعی در آفریقا داغ است، اما عرضه آن در مصر بحث برانگیز شده است. سیاستمداران محافظه کار مصری خواهان ممنوعیت فروش آن شده اند. شیخ ساجد عسکر، عضو فراکسیون ۸۸ نفره حزب اسلامی «اخوان المسلمین»، معتقد است که عرضه این کالا در مصر، موجب وسوسه بیش تر زنان می شود و عدم ممنوعیت آن از سوی دولت شرم آور است. یکی از علمای اسلامی نیز خواستار مجازات واردکنندگان پرده باکرگی مصنوعی شده و تاکید کرده است که آمیزش جنسی، از نظر اسلام، تنها پس از ازدواج مجاز است.

پایگاه خبری الجوار با بیان این مطلب نوشت: چین که یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان محصولات مختلف در سراسر جهان است، اخیراً «پرده بکارت مصنوعی» تولید کرده که آن را «پرده بکارت یک بار مصرف» نامیده اند. گفته می شود قیمت هر یک از این کالا حدود ۱۵ دلار است. تولیدکنندگان این کالای مصنوعی می گویند، بیش ترین کشورهای عربی - اسلامی از این محصول استقبال کرده...

در فرهنگ های ارتجاعی و عقب مانده این مساله خیلی اهمیت دارد که دختر به هنگام ازدواج باکره بوده و پرده بکارت داشته باشد. در این جوامع، پرده بدین معنی است که وی قبل از ازدواج ارتباط جنسی نداشته است. در حالی که پرده بکارت نشانه ضعفی برای بکارت واقعی است. زیرا بیش تر زنان، این پرده را قبل از داشتن ارتباط جنسی بر اثر خودارضائی، استفاده از تامپکس (نوعی نوار بهداشتی)، یا در وقایع غیرجنسی، مثلاً در اثر برخی حوادث، از دست می دهند.

اما سؤال مهم این جاست که حتا با وجود داشتن پرده بکارت چه کسی می تواند تعیین کند که آیا دختر قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته است یا خیر؟ غالباً خونریزی در شب عروسی می تواند دلیلی بر باکره بودن فرد باشد. در صورتی که این نظریه توسط اطلاعات پزشکی رد شده است. چرا که از جمله به دلیل آرامش زن و یا عدم وجود پرده بکارت به طور مادرزاد، این خونریزی می تواند وجود نداشته باشد. علاوه بر این، راه های برقراری ارتباط جنسی فقط دخول آلت تناسلی مرد به واژن نیست، بلکه دختر می تواند با حفظ پرده بکارت از راه های مختلف ارتباط جنسی داشته باشد و یا حتا با وجود پاره شدن پرده بکارت برای تظاهر به باکره بودن، با عمل جراحی، آن را دوباره به حالت اول برگرداند. به همین دلیل وجود یا عدم وجود پرده بکارت، عموماً نمی تواند مدرک معتبری برای تعیین باکرگی فرد باشد. البته، این که نگرش باکره پسند مردان به خصوص در کشوری مانند ایران، در حالی بازتولید می شود که غالباً خودشان پیش از ازدواج، ارتباط جنسی داشتند، ناشی از تفکر سنتی حاکم بر جامعه است. در چنین جوامعی مرد سنتی تصور می کند کالایی را که خریده است، اگر نقضی داشته باشد، باید آن را پس دهد. چنین تفکری در نزد همه اقشار جامعه وجود دارد و قوانین و ارگان های حکومتی نیز چنین گرایشی را بیش از پیش تقویت کرده است. تفکری ارتجاعی که توسط حکومت ها و قوانین آن ها و هم چنین تفکر مردسالاری در بسیاری از جامعه بشری بازتولید می گردد.

پرده بکارت سرمایه ای است که اگر ناقص باشد، دیگر ارزش کالایی خود را به طور کامل از دست می دهد. دیگر این کالا، یک کالای دست اول نیست بنابراین، خراب شده، صاحب کالا یا باید آن را به دور اندازد و یا نابود کند. در واقع از زمانی که گرایش به مالکیت به وجود آمد، جنس قوی هر آن چه را که در اختیار داشت و می توانست به زور تصاحب شود، به مالکیت خود درآورد. زن نیز به مثابه جنس ضعیف در زمره اموال مرد به شمار آمد. اغلب مردان زنان را به عنوان جنسی برای تولید، مانند مالکیت بر زمین برای تولید، مانند مالکیت بر اشیای منزل نگریدند. بنابراین، مرد از این حق برخوردار شد هم چنان که دور خانه و زمین خود حصار می کشد تا دیگران به حریم آن ها تجاوز نکنند، حفاظت از زن و زنانی را نیز که به مالکیت و انحصار خود در می آورد، هر طوری خواست با آن ها رفتار کند و حتا در خانه محبوس نماید. زن به دلیل رابطه جنسی با مردان، فاسد شمرده می شود، اما مرد درست به همین دلیل با تجربه به حساب می آید.

در واقع دختر را نیز مانند کالا می فروشند و هر دختری نیز قیمتی دارد به این معنی خریدار از بدن و رحم او برای حفظ و بقای نسل خود بهره می جوید، از سووی می خواهد مطمئن باشد که فرزندی که به دنیا می آید، تولید خود او است.

در چنین نگرشی است که نقش مادری مقدس می شود و بهشت برین نیز زیر پای مادران قرار می گیرد. البته این نقش تا آن زمانی اعتبار دارد که مرد، زن را بخواهد. اما همین که او را طلاق می دهد دیگر حق مادری و قدوسیت او از بین می رود. چرا که این حق به مرد و پدر تعلق دارد و این مرد است که به عنوان رئیس خانواده می خواهد نسل خونی خود را ادامه دهد و به همین دلیل و البته برای لذت بردن هم به بدن و نیروی زن نیاز دارد.

در چنین بستری فرهنگی ساخته شده است که سنت ها و عادت ها، ارزش ها، اخلاقیات، مذاهب، تسلط بهره کشی مردسالارانه را در تمامی شئون زندگی اجتماعی توسط کلیساها، مساجد، صومعه ها، دم و دستگاه دولتی مورد ترویج و تبلیغ قرار می گیرد.

اما جالب این جاست که هم اکنون وضعیتی دوگانه در ایران وجود دارد. از طرفی دختران بسیار راحت تر از گذشته با پسران دوست شده و رابطه مشترک را تجربه می کنند، از طرف دیگر، تابوی پرده بکارت هم چنان بر جامعه حکومت می کند. در نتیجه به دلیل عدم داشتن توان کافی برای شکستن این تابوی ارتجاعی در جامعه، بسیاری مجبور می شوند قبل از ازدواج به یک جراح مورد اعتماد مراجعه کنند و با ترمیم پرده بکارت خود، زندگی آینده خود را بر مبنای یک دروغ بنا کنند. این وضعیت نه تنها بر جسم و روان دخترانی که به هر دلیلی پرده بکارت خود را از

دست داده اند تأثیر سوء می گذارد و متأسفانه حتا بعضا این معضل با کشتن و یا خودکشی دختر پایان می یابد. در این باره اغلب رسانه های سراسری سکوت می کنند و گزارش هایی نیز منتشر نمی گردد. اما لیلا موری، وبلاگ نویس و فعال حقوق زنان با درج مقاله ای انتقادی در سایت زنان ایران، بکارت را تابو قلمداد کرده و آن را به چالش کشیده است. به گفته خانم موری، برخی خانواده های ایرانی بکارت دختران را با شیوه ای مدرن تر از گذشته تحقیق می کنند و پیش از ازدواج، خانواده پسر از خانواده دختر می خواهند که از پزشک نامه ای بیاورند که بکارت دختر را تایید کند. او می گوید: «نمی توانیم همه پسرهای ایرانی را به یک چشم نگاه کنیم، پسرها طرز فکرهای مختلف دارند ولی می توانم بگویم اکثریت هنوز با کسانی است که دل شان می خواهد شب ازدواج شان همسرشان باکره باشد و اصلا دل شان نمی خواهد بدانند که با کسی می خواهند ازدواج کنند که قبلا با کس دیگری رابطه جنسی را تجربه کرده است»

لیلا موری، می نویسد، در وبلاگ خود نظرهایی از خوانندگان مرد دریافت کرده که نوشته اند باید چیزی بوده باشد که در طبیعت خداوند چنین پرده ای را برای زنان گذاشته، حتما برای این بوده که زنان قبل از ازدواج رابطه جنسی نداشته باشند.

به عقیده لیلا موری، افزایش سطح تحصیلات عمومی و دسترسی فزاینده به رسانه ها و محصولات فرهنگی جهانی در ایران، نگاه نسل جدید مردان جوان ایرانی را شاید نسبت به بکارت متحول کرده باشد اما نمی توان گفت که چنین تحولی خیلی گسترده است.

حالا اگر دختر دم بختی احیانا به هر دلیلی بکارت خود را از دست داده باشد، آیا می تواند در ایران با توسل به تیغ جراح، این «ضایعه» را جبران کند و آن گونه که جامعه از او می طلبد، شب زفاف «رو سپید» شود؟ به گفته دکتر ایرج خسرونی، پزشک متخصص در ایران، عمل جراحی ترمیم بکارت در ایران انجام می شود اما غیرقانونی است.

دکتر خسرونی می گوید: «دولت تصورش بر این است که کسی که ترمیم بکارت می کند می خواهد بر سر داماد آینده کلاه بگذارد، این گونه عمل ها جای ثبت نمی شود و در بیمارستان انجام نمی گیرد، بلکه ممکن است در مطب های خصوصی و در جاهای غیرقانونی انجام بگیرد»

پس سکس قبل از ازدواج برای دختران ایرانی هنوز امری مخاطره آمیز و در بهترین حالت، هزینه ساز محسوب می شود. آیا این دغدغه ها، دختران ایرانی را از تجربه جنسی قبل از ازدواج باز داشته است؟ خانم موری، می نویسد: «الآن خیلی از دخترها رابطه جنسی را قبل از ازدواج تجربه می کنند ولی پس ذهن شان هنوز نگرانی از دست دادن بکارت وجود دارد، یعنی بکارت هم چنان برایشان مهم است.»

حتا گفتگو از سکس و آموزش جنسیتی در ایران از شکل تابو خارج نشده است. همین مساله و ناآگاه نگه داشتن جوانان از روابط جنسی، سبب شده که بیماری های آمیزشی در ایران گسترش یابد. این واقعیت است که هنوز شرم گفتگو کردن از مسائل جنسی یکی از مسائل مهم در پنهان ماندن بیماری و آمار واقعی بیماری های جنسی است. اگر دلیل شرم در مواردی به شخصیت فرد مربوط باشد در سطح اجتماعی ناشی از آن است که بیماری آمیزشی با «زنا» یا «روابط خارج از ازدواج» پیوند داده می شود و جرم «قانونی» تا حد سنگسار در برآورد. بنابراین، با توجه به محدودیت های اجتماعی و قانونی و آموزشی، جوانان ناآگاه می مانند و دچار بیماری های جسمی و روانی و بیماری های مقاربتی می شوند بدون این که جرات بیان آن را داشته باشند.

اساسا تاکید بر بکارت، کنترل هر چه بیش تر فرد را در پی دارد و مساله بکارت در واقع به نوعی زندان اجتماعی زنان در جامعه و خانواده است. متأسفانه نگرانی اصلی مساله بکارت دختران، مادران آن ها هستند که عمیقا تحت تأثیر آموزه های مردسالاری و مذهبی قرار گرفته اند. عموما این مادران هستند که نه تنها به دختران جوان خود آموزش می دهند که از ارتباط با جنس مخالف پرهیز کنند، بلکه رفتار دختران را در کودکی نیز بر اساس حفظ بکارت تحت کنترل شدید قرار می دهند. مادران به دختران خود تاکید می کنند که نباید بپرند و جست و خیز کنند و یا اسب سواری نمایند تا بکارت شان آسیب نییند.

فرهنگ ارتجاعی برخی خانواده ها در «دفاع از ناموس»، حتا در خارج کشور دختران و زنان را تحت فشار قرار می دهند و آن ها را برای آشنایی با مرد مورد علاقه خود دچار محدودیت می کنند. برای مثال، چند قتل ناموسی در سوئد و کشورهای دیگر اروپایی توسط خانواده های ایرانی، کردی، فلسطینی و ترکیه ای، توسط همین خانواده های مذهبی و مردسالار طراحی شده است.

انگشت کردن حلقه نقره ای در غرب به نوعی نماد پابندی به حفظ بکارت قبل از ازدواج به شمار می رود و به حلقه عفت مشهور است. یا این که گروه های مسیحی در آمریکا، انگلستان و...، بار دیگر به تبلیغ مساله عفت و اهمیت بکارت روی آورده اند.

در سال ۱۹۹۶، کنگره آمریکا بودجه ای بالغ بر نیم میلیارد دلار برای تشویق دانش آموزان مدارس دولتی به پرهیز از فعالیت های جنسی اختصاص داد و در حال حاضر، تقریبا در همه ایالات کلاس هایی در مدارس دولتی به تبلیغ خویشتنداری جنسی اختصاص یافته است.

کشیش رابرت ری بون، مبلغ مشهور کلیسای انجیلی آمریکا که از مدافعان این سیاست آموزشی است می گوید: «انجیل به ما حکم می کند که با عفت و پارسایی زندگی کنیم، این کتاب هرگونه ارتباط جنسی پیش از ازدواج و زناي محصنه را حرام می داند و در محکومیت افرادی که چنین گناهانی مرتکب شوند، هیچ اغماضی روا نمی دارد» در واقع این سیاست ها سبب شده است که تقاضا برای عمل جراحی ترمیم پرده بکارت در اروپا و آمریکا نیز به ویژه در خانواده های مهاجرین افزایش پیدا کند.

چندی پیش روزنامه بریتانیایی تایمز، در گزارشی اختلاف نظر پزشکان فرانسوی در خصوص اخلاقی یا موجه بودن جراحی ترمیم پرده بکارت مورد بحث قرار داده است.

آدام سیچ، نویسنده این گزارش، در مورد علت افزایش تقاضا برای جراحی ترمیم بکارت می گوید: «پزشکان و کسانی که من با ایشان صحبت کردم معتقدند که تقاضای ترمیم پرده بکارت نتیجه تداخل دو تمایل است؛ یکی

شاید افزایش گرایش به بازگشت به سنت های نسل های قدیمی تر مسلمانان و دیگری این که دخترای نسل های جوان تر به دلیل ارتباط با دوست پسرشان و زندگی به شیوه غربی بکارت خود را از دست داده اند و ممکن است هنگام ازدواج با مشکلاتی روبرو شوند.

علاوه بر زنان جوان مسلمان، زنان هندی تبار غیرمسلمان نیز از دیگر مشتریان این نوع جراحی ترمیمی بکارت محسوب می شوند.

در هر صورت در کشورهای غربی تا حدودی تابوی سکس و بکارت رنگ باخته است اما عموماً امر رهایی زن از این تابوهای آزاردهنده در کشورهایی چون ایران که قوانین اسلامی در آن ها حاکم است، ساکت گذاشته می شود و یا اگر هم در جایی مسایل مربوط به زنان مورد بحث قرار می گیرد اغلب در جهت اسارت زن است نه آزادی او. زیرا علاوه بر سانسور که بر اساس موازین و دیدگاه های مذهبی و سیاسی انجام می پذیرد، فکر و دیدگاه سرمایه داری نیز در تبلیغات رسانه های سراسری و بین المللی و کتاب ها و غیره موج می زند و این که زنان را باید دوباره به خانه و خانه داری باز گرداند به عنوانی مختلف و در لابلا اخبار و گزارشات، تحلیل ها، فیلم ها، داستان ها، قوانین، مساجد، کلیسا، صومعه سراها و غیره تاکید و بازتولید می گردد.

حکومت اسلامی، مراسمی از قبیل جشن تکلیف دختران تازه بالغ و تبلیغ عفت در مدارس ترتیب می دهد و به آن ها هشدار می دهد که بالغ شده اند و موظفند قوانین اسلامی را رعایت کنند و مواظب رفتار خود در معاشرت با مردان باشند. از سوی دیگر، تبلیغ می کنند که دختر تا بالغ نشده به خانه شوهر برود «ثواب» بیش تری دارد.

دین دست ساخت بشر است نه مافوق بشر. بنابراین، اگر بشر از قید و بندهای مذهبی رها شود، بهتر می تواند جهان مادی خود را مورد نقد و بررسی و بهره برداری قرار دهد و زندگی شایسته خود را بر روی همین کره خاکی بنا کند و از خرافاتی چون «بهشت زیر پای مادران است»، دوری جوید. و به مادر و به زن و به خواهر به عنوان انسان های مستقل بنگرد که صاحب جسم و زندگی خویش هستند. در این رابطه جدایی دین از دولت، آموزش و پرورش و دستگاه های قضایی به یک خواست عمومی تبدیل می گردد و فرهنگ برتری جنسی و مردسالاری نیز به مرور زمان از خانواده و جامعه رخت برمی بندد. بنابراین، دین امری کاملاً خصوصی تلقی می شود که در زندگی خانوادگی و جامعه و دستگاه دولتی هیچ نقشی ایفاء نمی کند.

هم زمان با تثبیت جایگاه اسلام به عنوان يك حکومت در شبه جزیره عربستان و گسترش آن به سرزمین های اطراف و برپایی امپراطوری اسلامی، ارزش ها و سنت های عجب مانده نیز رایج شدند و به مرور زمان شدت بیش تری گرفتند. با افزایش ثروت و فراهم آمدن فرصت های مناسب برای «تسخیر» زنان و انتخاب زنان «مطلوب تر»، و هم چنین گسترش جنگ و توسعه تجارت زنان برده بود که معیارها و ارزش های اسلامی جایگزین ارزش های انسانی شدند. بدین ترتیب، کم کم بکارت نیز نقش مهمی در فروش بردگان ایفاء کرد.

خانم نوال السعداوی، نویسنده مصری، با وجود داشتن پدر و مادر تحصیل کرده با مشاغل مناسب دولتی، خود یکی از قربانیان ختنه زنان در مصر است. او در کتاب سیمای زن عرب -نشر روزبهان، ۱۳۵۹- قسمتی از خاطرات خود هنگام اشتغال به حرفه طبابت در سودان را به این صورت نقل می کند: «... عمل ختنه در سودان چند برابر مصر وحشیانه تر بود. در مصر به قطع کلیتوریس بسنده می کردند حال آن که در سودان به این شکل بود که کلیتوریس و دولبه بیرونی و هم چنین دو لبه کوچک درونی را نیز قطع می کردند. عمل در همین قسمت خاتمه نمی یافت، بلکه جراح چند بخیه اضافی هم می زد تا مجرای تناسلی به شدت تنگ شود و فقط برای خروج خون حیض جا باقی بماند. در نتیجه در شب ازدواج لازم بود تا با چاقوی جراحی یا حتا گاهی يك فیچی معمولی انتهای دهانه را شکافته و راه دخول باز شود. جالب این جا بود که در زمان طلاق نیز به بهانه این که نکند زن رابطه جنسی برقرار کند دهانه را دوباره می بستند.»

در فقه شیعی، پرده بکارت دارای اهمیت اختصاصی است که علاوه بر مساله بکارت، به معنی داشتن رابطه جنسی است.

باین ترتیب، همه کسانی که مفاهیمی چون آزادی، برابری، دموکراسی و حقوق جهان شمول انسان را از آن مردان می دانند، در واقع به دیکتاتوری مرد و سلب حقوق انسانی زن یاری می رسانند. زیرا بسیاری از مردان، زنان را رقیب خود می بینند و فکر می کنند اگر زنان زمام امور کار خویش را به دست گیرند، جایگاه آنان به خطر می افتد و همگان خواهند توانست از حقوق خود دفاع کنند.

در کشورهای چون ایران، از آن ساختار حکومتی پیروی می کنند که در آن ها نظام پدرسالاری و سرمایه داری که براساس تبعیض و تفرقه میان مردم در طبقات اجتماعی، جنسیت، رنگ، عقیده و نژاد بنا شده است. گروه اندکی که به زور اسلحه و تجارت و سرمایه و به ویژه زنان تلخ تر و سخت تر و غیرقابل تحمل تر کرده اند. جامعه ما، قبضه کرده اند زندگی را به انسان ها، به ویژه زنان تلخ تر و سخت تر و غیرقابل تحمل تر کرده اند. جامعه ما، امروز دوره جدیدی از ستم و استثمار را تجربه می کند که زن، یکی از ابزارهای انباشت سرمایه محسوب می شود. آزادی زن، در چنین حاکمیت هایی با اجرای برنامه های کلانی در عرصه های توسعه و تنظیم خانواده و طرح های اجتماعی همراه شده است که مردسالاری را تقویت می کند و نیازمندان را نیازمندتر و ثروتمندان را توانمندتر می کند و بیش ترین قربانیان این فقر اقتصادی و فرهنگی نیز زنان هستند. یعنی در کشور ما، سرمایه داری با دین و دولت و مردسالاری اش دست در دست هم، به افزایش قدرت و هم چنین سرمایه های دولت منجر می شود. برنامه های اقتصادی نئولیبرالی جهانی نیز برای خدمات رسانی به شرکت های چند ملیتی یا هیات حاکمه این کشورها و قوانین غیرانسانی آن ها هم جهت می شوند تا سود بیش تری به جیب بزنند. اما با وجود موانع فراوان و بی شمار، مبارزه مردمی با حاکمیت و نیروهای طرفدار آن، زنان و جوانان و مردان تهدیدست و برابری طلب را در یک صف قدرتمند مبارزاتی قرار داده است. جنبشی که می تواند با برده داری نوین بستیزد تا جایی که آن ها را از حاکمیت خلع نماید و جامعه ای شایسته انسان بدون توجه به جنسیت، ملیت، باورهای سیاسی و مذهبی و موقعیت خانوادگی بسازد. جامعه ای که همه انسان ها به طور یکسان و برابر از همه حقوق و امکانات مادی و معنوی برخوردار باشند.

جامعه ما، یک تحول بزرگی را از سر می گذارند، بیش از شصت در صد جمعیت ایران جوانان زیر ۲۵ سال را تشکیل می دهند که معیارها و نرم ها و قوانین حکومت اسلامی را قبول ندارند و از هر فرصتی برای شکستن آن ها استفاده می کنند.

امروز به یمن اینترنت، بسیاری از جوانان ایرانی با دنیای غرب و روابط و مناسبات انسانی و اجتماعی و سیاسی آشنا می شوند و هر اطلاعاتی را که دوست داشته باشند از جمله در باره «سکس» می گیرند. اگر با این نیروی عظیم برخورد درستی به ویژه در عرصه آموزش جنسی صورت نگیرد عوارض و عواقب تاسف بار بیش تری به بار می آورد. حاکمان سرکوبگر در طول سه دهه تلاش کرده اند که جامعه ایران را از جهان پیشرفته جدا کنند تا «مدینه فاضله اسلامی» خود را برپا سازند، با انقلاب اینترنت، فیس بوک، تویت، تلفن همراه، شکست سختی خورده اند. وقتی در خیابان ها نیروی انتظامی، جوانان را تحقیر و سرکوب می کنند، آن ها راه های دیگری برای ارتباط آزاد جنسی دو جنس مخالف جست و جو می کنند که کم ترین بها را بپردازند. دیگر شلاق زدن و زندانی و جریمه کردن تأثیری در عزم جوانان ندارد. بنابراین، مساله جوانان باید در رسانه ها و مدارس و دانشگاه ها و خانواده ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا از این طریق جلو عوارض و عواقب روابط جنسی گرفته شود. هر از چند گاهی برخی از مسئولین بهداشتی، نگرانی خود را در رابطه با گسترش زیاد بیماری های مقاربتی به خصوص ایدز، سوزاک و سفلیس و... برور می دهند.

یکی از پر سر و صداترین این گزارشات، سخنان يك مقام قضایی و همین طور مشاور استاندار خوزستان در سال ۸۲ مبنی بر رخداد ۴۵ قتل فقط در فاصله ۲ ماه در ابتدای این سال بود. این خیر، توسط خبرگزاری دانشجویان ایران، به این شکل منتشر شد: «بین ابتدای فروردین تا اواخر اردیبهشت و هفته اول خرداد ماه جاری به استناد گفته یکی از مشاورین فرمانداران صرفا در يك طایفه، حدود ۴۵ مورد قتل ناموسی زیر ۲۰ سال صورت گرفت و پدر، عمو، برادران و پسران عمو خود به اجرای حکم در این زمینه پرداخته اند.» همان زمان از قول معاون قضایی دادگستری کرمانشاه، نقل شد: «پس از قتل های هیجانی که بدون تفکر صورت می گیرد، قتل های ناموسی بیش ترین تعداد قتل هایی که معمولا با تصمیم قبلی واقع می شوند را در کرمانشاه به خود اختصاص داده است.»

خبرگزاری دانشجویان ایران، در مهر ماه ۱۳۸۵، گزارش داده بود: «مادری به دنبال سکوت دخترش برای توضیح در خصوص رفتارهای مشکوک، وی را به قتل رساند. سرهنگ ابراهیم کریم‌خانی، فرمانده هنگ مرزی سلماس در گفتگو با خبرنگار «حوادث» ایسنا، در تشریح این خبر گفت: «مادر و برادر این دختر ۲۰ ساله پس از خفه کردنش، جسد او را در طویله منزل شان به آتش کشیدند.» وی ادامه داد: «خانواده مقتول اذعان داشتند که وی اقدام به خودسوزی و خودکشی کرده است و جسدش را در قبرستان روستای سینچی به خاک سپرده اند.» سرهنگ کریم‌خانی، تصریح کرد: «ماموران هنگ مرزی بعد از پیگیری و تحقیق در این باره متوجه وقوع قتل شدند و این در حالی بود که پس از نیش قبر و کشف علت قتل، مادر (متهم به قتل) و برادر دختر جوان متواری شدند.» فرمانده هنگ مرزی سلماس، علت قتل را مسایل اخلاقی ذکر کرد و افزود: «بنا بر بررسی های پلیسی، متهم به قتل در پی مشکوک شدن نسبت به رفتارهای دخترش، از وی می خواهد که در این باره توضیح دهد، اما به دلیل سکوت دختر جوان، متهم با همدستی پسرش، وی را به قتل می رساند.»

لازم به تأکید است که با وجود گسترده بودن این قتل ها در استان های مرزی چون خوزستان، باختران، کردستان، بوشهر، سیستان و بلوچستان و خراسان بیش ترین موارد شکایت به دنبال تجاوز و درخواست معاینه پزشکی قانونی به خاطر ازاله بکارت مربوط به استان تهران بوده است: «بنا به گزارش ارائه شده از سایت خبرگزاری انتخاب در اواخر اسفند ۸۴ از نظر آمار مربوط به تجاوز به عنف یا شکایت خانواده دختران در رابطه با ازاله بکارت از میان حدود هفده هزار آزمایش انجام شده، که سرانه پنج در ده هزار نفر را برای زنان ایرانی ایجاد می کند، استان تهران با حدود ده مورد در هر هزار زن تهرانی، رتبه نخست، استان قزوین با حدود ۹ مورد، رتبه دوم و استان های سمنان و گیلان نیز با حدود هشت مورد در ده هزار زن رتبه های سوم و چهارم را در آزمایش های مربوط به ازاله بکارت، دارا هستند. گفتنی است، استان های سیستان و بلوچستان، ایلام و زنجان از این لحاظ، رتبه های آخر را دارند.»

مدتی پیش به دنبال گزارش بریدن سر دختر ۷ ساله ای به دست پدرش در اهواز، قوه قضائیه قول داد که به طور ویژه به این پرونده رسیدگی کند اما بعدا خبری از نتایج رسیدگی به آن منتشر نشد. اما بعدها در خبرها آمده بود در محاکمه مردی که ضمن شکایت از زنش به خاطر رابطه نامشروع با مرد دیگر او را با ضربات چاقو در کلانتری محل به قتل رساند، قاضی با توجه به زمینه بروز این اتفاق قاتل را متسحق قصاص ندانست و تنها وی را به پرداخت دیه محکوم کرد.

هر چند که چنین قتل هایی در کشورهای دیگر نیز رخ می دهد اما تفاوت مهم در این است که در ایران تحت حاکمیت اسلامی، قاتلان ترسی از تعقیب مراجع قانونی ندارند. زیرا قانون حامی آن هاست! از نظر قانونی در قوانین مجازات اسلامی ایران، تنها اگر مرد زن خود را هنگام معاشقه و نزدیکی با مرد دیگر ببیند اجازه قتل او را دارد بی آن که دستگاه قضایی از او مؤاخذه کند (ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی) هم چنین مطابق قوانین قضایی حکومت اسلامی، پدر یا جد پدری می تواند فرزند خود را به قتل برساند بی آن که مستحق قصاص باشد (ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد)

طبق قوانین قضایی حکومت اسلامی ایران، قصاص قاتل منوط به شکایت اولیاء دم می باشد از این رو، در مورد قتل های ناموسی از آن جا که امر قتل نیز نوعا جزو اولیاء دم بوده با عدم شکایت وی امکان قصاص قاتل منتفی می شود و حداکثر در صورت لزوم تعزیر خواهد شد. هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. (ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی.)

طبق ماده ۱۱۲۸ «قانون مدنی»: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متباین بر آن واقع شده باشد.» در ارتباط با همین ماده از قانون مدنی، گفته شده است: «زوجی که هنگام ازدواج شرط بکارت نموده باشد اگر بعد از ازدواج معلوم شود که با توجه جماع شده هرچند پرده بکارت سالم و موجود و از نوع حلقوی باشد دارای حق فسخ خواهد بود، زیرا منظور از بکارت در درجه اول همان نزدیکی است لذا اولاً اکراه زن و زایل شدن بکارت اگر به عنف هم باشد تاثیری در قضیه نخواهد داشت و کماکان زوج حق فسخ خواهد داشت؛ ثانیاً ازاله بکارت چه در اثر بیماری باشد یا افتادن از بلندی و غیره با عدم اطلاع دختر یا خانواده اش تاثیری در حق فسخ برای زوج ندارد.

علاوه بر این ها، در قوانین اسلامی جاری ایران، وقتی مردی به دختری تجاوز می کند، قاضی مرد را مجبور می سازد تا با دختر ازدواج کند و این بار رسماً و قانوناً قربانی را به دست جانی متجاوز می سپارند. انسان امروزی هیچ نیازی به اسطوره های کهن، به قرآن، به احادیث و امامان و پیامبران و کشیش ها و پاپ ها و خاخام ها و... ندارد. مفاهیمی چون آزادی، برابری، سکولاریسم، عقلانی و غیره با اندیشه اسلامی دنیای کاملاً جدا و متضادی دارد. از این رو، کسانی که تلاش می کنند به جامعه نشان دهند که این گرایش مذهبی نسبت به آن گرایش مذهبی دیگر، عقلانی تر و منطقی تر و متعادل تر است سخت در اشتباهند و یا این که در حفظ گرایشات مذهبی منافع سیاسی و اجتماعی و طبقاتی دارند.

دهم فروردین ۱۳۸۹ - سی ام مارس ۲۰۱۰

منبع: سایت دیدگاه